شرح حال مولانا جامی

مدرسی چهاردهی، مرتضی

این رساله نفیس بقلم یکی از شاگردان باوفای جامی بنام«مولوی عبد الغفور لاری» نوشته شد از بهترین تذکره‏های عرفانی و تاریخی بشمار آمد،مؤلف عارف رساله‏ درباره زندگانی مولانا باختصار پرداخت،بجای شرح تفصیل و چگونگی حیات استاد خود،اندیشه‏ها و افکار تابناک عارف بزرگ را نقل کرد،گفتار گروهی از بزرگان‏ معرفت مانند محی الدین عربی،صدر الدین قونوی،خواجه عبد اللّه انصاری را شاهد مقال آورد.

آقای علی اصغر هروی از فضلای معاصر افغانستان بخشی از تحقیقات ادبی و تاریخی را بمناسبت مضامین رساله بصورت پاورقی در پایان آن قرار دارد.

از نوشته‏های فضلای معاصر ایران بحث و انتقادی دقیق نمود،تحقیق درباره‏ سلامان و ابسال نوشته یکی از دانشمندان مصری که بقلم نگارنده این سطور ترجمه شده‏ و در مجله مهر منتشر شده بود آقای هروی بدان استناد کرد.

کسانی که می‏خواهند درباره اندیشه فرقه‏های تصوف تا عصر جامی به مطالعه و تحقیق پردازند این رساله از بهترین سندها و مدرک‏ها بشمار آید صاحب این رساله‏ کرامت‏ها را نقل نمی‏کند،تنها به چگونگی رفتار و گفتار جامی از دیده اخلاق و صفات کمال انسانی سخن گوید،شأن نزوی بعضی از اشعار شیرین فارسی را که بزبان‏ و قلم عارف بزرگ تراوش یافته است بیان مینماید.

چنانکه در زیر کلمات مشهور عرفا که گویند.

المجاز قنطرة الحقیقه چنین گوید:بهترین شرح و تفسیر این عبارت بوسیله‏ مولانا در مثنوی زیبای یوسف و زلیخا ضمن داستان بازغه عادیانی آمده است،این‏ ابیات را بطور نمونه از آن رساله نفیس نقل می‏نمائیم:

جمالش پاک بود از تهمت عیب‏ نهفته در حجاب پردهء غیب‏ ز ذرات جهان آئینه‏ها ساخت‏ ز روی خود بهریک عکسی انداخت‏ بچشم تیزبینت هرچه نیکوست‏ چو نیکو بنگری عکس رخ اوست‏ چو دیدی عکس سوی اصل بشتاب‏ که پیش اصل نبود عکس را تاب‏ معاذ اللّه ز اصل ار دور مانی‏ چو عکس آخر شود بی‏نور مانی‏ نباشد عکس را چندان بقائی‏ ندارد رنگ گل چندان وفائی‏ بقا خواهی بروی اصل بنگر وفاجویی بسوی اصل بگذر نشیمن برتر از کوی و مکان گیر فراز کاخ معنی آشیان گیر

این کتاب از نشریات انجمن جامی بمناسبت جشن پانصد و پنجاهمین سال ولادت‏ مولانا نور الدین عبد الرحمن جامی در مطبعه دولتی افغانستان چاپ شده است.